

رویکرد دفاعی ایران در مقابله با نبردهای اقتصادی آینده

هادی زمانی*^۱، مسعود سرودی^۲

پذیرش مقاله: ۹۹/۰۶/۱۱

دریافت مقاله: ۹۹/۰۴/۰۸

چکیده

بعد از جنگ جهانی دوم، سال‌های نفوذ سیاسی شرق و غرب به خصوص بعد از پیمان‌ها و همکاری‌های عمده منطقه‌ای مثل ناتو شروع شد، اما به مرور زمان بعد از تحولاتی مانند فروپاشی شوروی، در شکل‌های منطقه‌ای منافع سیاسی کم‌رنگ شد و جای خود را به توسعه اقتصادی داد. به علت محدود بودن نهادهای تولید در کشورهای جهان می‌توان همکاری اقتصادی را مهم‌ترین نوع همکاری منطقه‌ای دانست. از سوی دیگر، همکاری‌های اقتصادی موجب رفاه، ثروت و کسب قدرت می‌شوند و به دولت‌ها در رسیدن به اهداف سیاسی و امنیتی، که جزو اهداف و منافع ملی حیاتی کشورها نیز هستند کمک‌های شایانی می‌نمایند. این همکاری‌ها در اشکال گوناگون و درجات متفاوت، در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی و با ترکیبی از آن‌ها شکل گرفته‌اند. سؤال اصلی مقاله، چگونگی رویکرد دفاعی ایران در مقابله با نبردهای اقتصادی آینده است؟ و هدف اصلی تبیین چگونگی رویکرد دفاعی ایران در مقابله با این نبردها می‌باشد. تلاش نویسنده بر این بوده که ارتباط بین این دو متغیر را با طرح مباحثی در مورد همگرایی اقتصادی و انواع نظام‌های مطرح امنیتی و با ارائه پیشنهادهایی همچون ایجاد بازار مشترک اسلامی و رفع موانع موجود در جهت نیل به همگرایی همه‌جانبه مطرح نماید. برای این منظور، با تعریف مفاهیم و طرح انواع همگرایی و اشاره به ساختارهای مهم امنیتی به این نتیجه رسیده است که همگرایی اقتصادی در ایجاد امنیت منطقه‌ای تأثیری غیرقابل‌انکار داشته و می‌تواند با قطع وابستگی به قدرت‌های فرا منطقه‌ای، سطح مطلوبی از رفاه و امنیت را در منطقه به ارمغان آورد و گام مهمی به سمت همگرایی همه‌جانبه به شمار آید.

واژگان کلیدی: دفاع، هم‌گرایی، اقتصاد، نبرد اقتصادی، رویکرد دفاعی.

^۱. تهران، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، haz5363@gmail.com

^۲. تهران، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، masoud.soroudi@gmail.com

مقدمه

اهمیت و نقش بارز قدرت اقتصادی در بناگذاری جامعه‌ای توانمند و آرمانی، بر کسی پوشیده نیست تا آنجا که می‌توان آن را از اولویت‌های دنیای امروز دانست. کشور پهناور ایران با بهره‌مندی از منابع وسیع الهی اقتصادی و بازار گسترده سالیان درازی در استعمار کشورهای غربی و به‌ویژه آمریکا قرار داشت. پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران، دستان آنان از این منابع کوتاه شد و کشور بر پایه منافع ملی خود قدم نهاد. از این‌رو، در نخستین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی تحریم‌های اقتصادی گوناگون علیه اقتصاد نوپای کشور تازه استقلال‌یافته شکل می‌گیرد تا بلکه این نهال نوپا از پا بیفتد و از لحاظ اقتصادی زانو زند، لذا قطع روابط، تحریم‌های اقتصادی در قالب قطعنامه‌های گوناگون، محدودیت‌های اقتصادی و افزایش بیمه تجارت باهدف ایجاد فشارهای سخت اقتصادی بر مردم و ممانعت از پیشرفت و خودکفایی کشور در حوزه‌های صنعت و انرژی هسته‌ای بوده است. (موسوی زنوز و مرادی، ۱۳۹۲: ۱۴۱-۱۴۵) این نبرد بی‌منتها سبب نام‌گذاری سال‌های ۱۳۸۸ تاکنون در حوزه اقتصادی با راهبردهای اصلاح الگوی مصرف، همت مضاعف و کار مضاعف، جهاد اقتصادی، تولید ملی، حمایت کار و سرمایه ایرانی، حماسه اقتصادی، اقتصاد مقاومتی اقدام و عمل، اقتصاد مقاومتی تولید - اشتغال و نیز حمایت از کالای ایرانی از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی رقم خورد و یکی از جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های رهبری نظام را به همراه داشت. امروزه حوزه تهدیدها از تغییر و تحولات بسیار گسترده‌ای بهره‌مند است؛ به گونه‌ای که با مفاهیم جدیدی همچون جنگ‌های نرم، رسانه، بانکی و اقتصادی روبه‌رو هستیم. حوزه اقتصاد از جمله حوزه‌های جدید جنگ است. در این حوزه قادر هستیم سایر حوزه‌ها را متأثر سازیم و تهدید کنیم. از این‌رو، از جایگاه و اهمیت برجسته‌ای بهره‌مند است.

امروزه، امنیت اقتصادی به جدی‌ترین نگرانی‌های دولت تبدیل شده که نتیجه اصلی آن تحکیم بنیان‌های اقتصاد ملی و رهانیدن آن از آسیب وابستگی به کشورهای دیگر است. برای نمونه، اقتصاد کشورهای در حال توسعه به کشورهای بزرگ صنعتی وابسته شده است که از وجوه مهم این واقعیت، تک‌محصولی بودن و وابستگی شدید به سرمایه و کالا و تکنولوژی کشورهای پیشرفته است که امنیت اقتصادی این کشورها را سخت آسیب‌پذیر نموده است. تأمین استقلال اقتصادی کشورهای در حال توسعه از مهم‌ترین شرایط پیشبرد امنیت ملی آنهاست. در این خصوص، توسعه اقتصادی، مهم‌ترین نقش را در تأمین امنیت اقتصادی می‌یابد (تودارو، ۱۳۷۷: ۶).

اهمیت امنیت اقتصادی برای کشورهای پیشرفته، اگر از کشورهای در حال توسعه بیشتر نباشد، کمتر نیست؛ به طوری که گفته شده، در روابط میان قدرت‌های جهانی، رقابت در اطراف مسائلی چون تولید بهترین محصولات، ارتقای سطح زندگی مردم، برخورداری از نیروی کار تحصیل کرده و ماهر، سرمایه‌گذاری در تولیدات صنعتی، تحقیق و توسعه و تأسیسات زیربنایی و مانند این‌ها دور می‌زند (تارو، ۱۳۷۳، ۱۳). رابرت ماندل، امنیت اقتصادی را میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین‌المللی می‌داند (ماندل، ۱۳۷۹: ۸۷).

سیاست‌های اتخاذ شده توسط آمریکا و متحدانش در چند سال اخیر در روابط بین‌الملل بیانگر تغییر در سیاست‌های راهبردی امنیتی این کشور در مقابله با کشورهای مستقل با توجه به ابزار اقتصادی است. سیاستی که آمریکا در گذشته برابر مخالفان خود اتخاذ نمود (آرژانتین، کوبا، آفریقای جنوبی، شیلی) و موفقیت‌هایی نیز به دست آورد. صحنه تازه شکل یافته از آن جهت حائز اهمیت است که پس از جنگ نرم (در حوزه فرهنگی سیاسی) دشمن که در سال گذشته رخ داد، حملات نرم اقتصادی محور اصلی سیاست‌های آمریکا و هم‌پیمانانش قرار گرفته است (سازمان توسعه تجارت ایران، ۱۳۹۲: ۱۰۵۴-۹۳۵). امنیت نیز به نوبه خود، موجب ثبات و رشد اقتصادی و پیشرفت کشورها می‌شود. بنابراین، در یک تعامل دوسویه، می‌توان گفت: همکاری و همگرایی اقتصادی و امنیت در کشور جمهوری اسلامی ایران با یکدیگر رابطه مستقیم دارند. این مقاله بر آن است نقش همگرایی اقتصادی در برقراری امنیت در کشور جمهوری اسلامی ایران را بررسی نماید و در نهایت به پاسخ این سؤال برسد که رویکرد دفاعی کشور جمهوری اسلامی ایران در برابر نبردهای اقتصادی آینده چگونه باید باشد؟

نوع، روش و رویکرد پژوهش

این پژوهش، یک پژوهش توصیفی-تحلیلی به روش اسنادی (کتابخانه‌ای) است. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، اسناد و مدارک موجود (کتاب‌ها، طرح‌های پژوهشی، مقالات، سایت‌های اینترنتی و منابع خارجی) در حوزه مورد مطالعه بوده که محقق با استفاده از آن‌ها، رویکرد دفاعی ایران در مقابله با نبردهای اقتصادی آینده را مورد تحلیل قرار داده است. هدف محقق از انجام این تحقیق این است که با توسعه مفهوم جنگ اقتصادی، تحریم اقتصادی، چالش‌های اقتصادی در آینده، شناسایی نقاط آسیب‌پذیر اقتصادی کشور، مبارزه با فساد اقتصادی،

آسیب، دفاع مصادیق جدیدی برای جنگ و تقابل ارائه نموده و دفاع غیرعامل را در حوزه‌های دیگر نیز به کار گیرد.

اسناد بالادستی

۱. با آغاز مبارزه جدی با فساد اقتصادی و مالی، یقیناً زمره‌ها و به تدریج فریادها و نعره‌های مخالفت با آن بلند خواهد شد. این مخالفت‌ها نباید در عزم راسخ شما تردید بیفکند.
۲. ممکن است کسانی به خطا تصور کنند که مبارزه با مفسدان و سوء استفاده کنندگان از ثروت‌های ملی، موجب ناامنی اقتصادی و فرار سرمایه‌ها است. به این اشخاص تفهیم کنید که به عکس، این مبارزه موجب امنیت فضای اقتصادی و اطمینان کسانی است که می‌خواهند فعالیت سالم اقتصادی داشته باشند. تولید کنندگان این کشور، خود نخستین قربانیان فساد مالی و اقتصاد ناسالم‌اند.
۳. کار مبارزه با فساد را چه در دولت و چه در قوه قضاییه به افراد مطمئن و برخوردار از سلامت و امانت بسپارید. دستی که می‌خواهد با ناپاکی در بیفتد باید خود پاک باشد و کسانی که می‌خواهند در راه اصلاح عمل کنند باید خود برخوردار از صلاح باشند.
۴. ضربه عدالت باید قاطع ولی در عین حال دقیق و ظریف باشد.
۵. بخش‌های مختلف نظارتی در سه قوه از قبیل سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات و وزارت اطلاعات باید با همکاری صمیمانه، نقاط دچار آسیب در گردش مالی و اقتصادی کشور را به درستی شناسایی کنند و محاکم قضایی و نیز مسئولان آسیب‌زدایی در هر مورد را یاری رسانند.
۶. وزارت اطلاعات موظف است در چارچوب وظایف قانونی خود، نقاط آسیب‌پذیر در فعالیت‌های اقتصادی دولتی کلان مانند: معاملات و قراردادهای خارجی و سرمایه‌گذاری‌های بزرگ، طرح‌های ملی و نیز مراکز مهم تصمیم‌گیری اقتصادی و پولی کشور را پوشش اطلاعاتی دهد و به دولت و دستگاه قضایی در تحقق سلامت اقتصادی یاری رسانند و به طور منظم به رئیس‌جمهور گزارش دهد.
۷. در امر مبارزه با فساد نباید هیچ تبعیضی دیده شود. هیچ‌کس و هیچ نهاد و دستگاهی نباید استثنا شود. هیچ شخص یا نهاد نمی‌تواند با عذر انتساب به اینجانب یا دیگر مسئولان کشور،

خود را از حساب‌کشی معاف بشمارد. با فساد در هر جا و هر مسند باید برخورد یکسان صورت گیرد.

۸. این امر مهم و حیاتی نباید به گونه‌ی شعاری و تبلیغاتی و تظاهرگونه رفتار شود. به جای تبلیغات باید آثار و برکات عمل، مشهود گردد. به دست‌اندرکاران این مهم تأکید کنید که به جای پرداختن به ریشه‌ها و ام‌الفسادها به سراغ ضعف‌ها و خطاهای کوچک نروند و نقاط اصلی را رها نکنند. (سایت Khamenei.ir)

مبانی نظری

اهداف جنگ اقتصادی

هدف ایالات‌متحده آمریکا از نبرد اقتصادی علیه ایران ضعیف کردن آن به لحاظ بنیه و توان اقتصادی است تا با یک تلنگر نظامی با شکست کامل مواجه شود. این تجربه‌ای است که آمریکا طی سالیان گذشته در برخورد با سایر کشورها به دست آورده است، ولی قابل تحقق بودن آن در مورد ایران جای تأمل بسیار دارد. اغلب در جنگ‌های کنونی این موضوع به‌وفور قابل‌مشاهده است. چنین جملاتی باهدف و رویکرد اقتصادی در جنگ‌ها دنبال می‌شود (میرمحمدی، ۱۳۸۴).

دفاع

واژه دفاع به مقاومت، حفاظت، حمایت، تجهیز و تقویت و استحکام بخشیدن، توجیه معنا شده است. همچنین دفاع که از واژه دفع گرفته‌شده، به معنای دور نمودن چیزی است (دهقان، ۱۳۹۰: ۱۴). دفاع یا پدافند در برابر دشمن به دو صورت انجام می‌شود: به روش اول، قهر صورت آمیز و با استفاده از تجهیزات جنگی است؛ روش دوم، بدون استفاده از تجهیزات جنگی بلکه با استفاده از عوارض طبیعی، پناهگاه استتارها، اختفا، فریب و نیرنگ و سایر اموری که او را در برابر تهدیدات، و صدمات ناشی از سلاح‌های دشمن و انفجارات حفظ نماید (عصاریان و حسنی، ۱۳۸۷).

نبرد اقتصادی

نبرد اقتصادی، نوعی دیگر از جنگ نرم است که وظیفه‌ی دفاع غیرعامل در این حوزه، برنامه‌ریزی و اقدام برای مقابله با این شیوه‌های جدید است. در جنگ اقتصادی، دشمن به مجموعه اقداماتی دست می‌زند تا با کاهش توان اقتصادی کشور، به کاهش قدرت مقاومت و ایستادگی و در نتیجه

موجب نارضایتی و نافرمانی مدنی شود. کسب تسلط اقتصادی و کنترل جریانات اقتصادی و کاهش توان بازسازی و توسعه‌ی ملی از اهداف این نوع جنگ نرم است (فرردرو، ۱۳۹۰: ۳۵).

همگرایی

همگرایی فرایندی است که طی آن بازیگران سیاسی چندین واحد ملی مجزاً ترغیب می‌شوند تا وفاداری‌ها، فعالیت‌های سیاسی و انتظارات خود را به‌سوی مرکز جدیدی معطوف دارند که نهادهای این مرکز یا از صلاحیتی برخوردارند که دولت‌های ملی موجود را تحت پوشش خود بگیرند و یا چنین صلاحیتی را می‌طلبند (عصاریان و حسنی، ۱۳۸۷).

بحث و یافته‌ها

حوزه اقتصاد به دلیل وجود رقابت شدید بر سر منافع از جمله حوزه‌های چالش‌برانگیز است. درون آن طیفی متنوع از اقدام‌ها اعم از همکاری، رقابت، مخالفت و تعارض را می‌توان جست. از جنبه‌های مهم تهدید، تهدید اقتصادی است. تهدید اقتصادی مجموعه خطرهایی است که رشد و توسعه پایدار یک جامعه یا سرزمین را به شیوه‌های مختلف دچار اختلال می‌کند و به انحای مختلف به اقتصاد یک محدوده جغرافیایی آسیب می‌رساند. انواع تحریم‌ها، رکود، گرانی، نابرابری و توزیع ناعادلانه درآمد در یک جامعه به‌صورت عمد یا غیر عمد از جمله تهدیدهای اقتصادی به شمار می‌رود. در یک تقسیم‌بندی کلان، می‌توان تهدیدهای اقتصادی را در دو حوزه اصلی تولید و توزیع رده‌بندی کرد؛ درحالی‌که گونه نخست متوجه افزایش میزان تولید متناسب با نیازمندی‌های عمومی است. دومین دسته تهدیدهایی را شامل می‌شود که به تعبیر جان ای رویمر برابری فرصت را در دستیابی به امکانات متأثر می‌سازند. نبرد اقتصادی مجموعه اقدام‌های متعمدانه، خصمانه و اخلال‌گرایانه دشمن است و برای کاهش توان اقتصاد، قدرت و مقاومت ملی باهدف تغییر رفتار صورت می‌گیرد؛ بنابراین نبرد اقتصادی می‌تواند به‌منزله سازوکاری محسوب شود که با استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی تلاش توان نظامی و ظرفیت رزم‌آوری دشمن را تقلیل دهد. نبرد اقتصادی ماهیتی ضد توسعه‌ای دارد و در راستای ممانعت از توسعه پایدار و همه‌جانبه کشور و افزایش وابستگی صورت می‌گیرد. فساد اقتصادی یکی از مصادیق تهدیدهای اقتصادی به شمار می‌رود و به‌منزله یک جرم محسوب می‌شود.

اهداف اصلی برپایی نبرد اقتصادی از سوی دشمن را می‌توان در چهار هدف بیان کرد: ۱. کاهش توان مقاومت ملی ۲. کسب تسلط اقتصادی

۳. واپایش جریان‌های اقتصادی ۴. کاهش توان بازسازی، نوسازی و توسعه ملی (میرمحمدی، ۱۳۸۴).

تحول‌های عملیاتی رخ داده، طی سال‌های پس از جنگ سرد، سبب افزایش دقت و درعین حال اثر اقدام‌های خصمانه اقتصادی شده است. مهم‌ترین تحول عملیاتی در برپایی نبرد اقتصادی در دوره پس از جنگ سرد را می‌توان در تغییر نظام هدف‌گیری نبرد اقتصادی دانست؛ به عبارت دیگر، درنبرد اقتصادی نوین، مؤلفه‌هایی متفاوت از نظام اقتصادی مورد هجوم قرار می‌گیرند. بخش‌هایی از اقتصاد در زمره اهداف دشمنان برای اعمال آسیب قرار دارند. این بخش‌ها در الگوهای سنتی نبرد اقتصادی مدنظر نبوده‌اند. جنگ مالی نمونه‌ای از اقدام‌های نبرد اقتصادی هوشمند است. به‌هرحال، هم‌زمان با توسعه الگوی هوشمند نبرد اقتصادی بر شدت راهبردی بودن آثار ناشی از نبرد اقتصادی افزوده می‌شود. اگرچه اثر اولیه جنگ اقتصادی، زیان اقتصادی است، لیکن اثر ثانویه و کلیدی این است که اجرای نبرد اقتصادی می‌تواند موجب کاهش توان ملی و کسب اجماع جهانی برای تحرک‌های آتی شود.

بسیاری از اندیشمندان، امنیت ملی را نهادی ابهام‌آمیز دانسته‌اند (هافندرون، ۱۳۷۱: ۳). این امر از یک سو به جنبه‌های ذهنی و روانی مفهوم مزبور مربوط می‌شود و از سوی دیگر از ماهیت پیچیده آن ریشه می‌گیرد که عناصر مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی را شامل می‌گردد، (بهزادی، ۱۳۵۲: ۱۱۱ و ۱۱۲؛ ماندل، ۱۳۷۹: ۴۰). در گذشته، امنیت نظامی، مهم‌ترین و حتی به‌زعم برخی، تنها جنب امنیت ملی شناخته می‌شد (میرمحمدی، ۱۳۸۴: ۲۱۸)، اما به قول ریچارد اولمان تعریف امنیت ملی، صرفاً (و یا حتی به‌طور عمده) بر مبنای جنبه نظامی، تصور عمیقاً نادرستی از امنیت را به ذهن متبادر می‌کند (هافندرون، ۱۳۷۱: ۳). به‌هرحال با توجه به تعاریف مختلف ارائه شده، می‌توان گفت، امنیت ملی شرایط و فضایی (اعم از ملی و فراملی) است که یک کشور در آن قادر است اهداف و ارزش‌های حیاتی موردنظر خود را در سطح ملی و بین‌المللی گسترش دهد، یا حداقل در برابر تهدیدات بالقوه و بالفعل عوامل داخلی و خارجی، آن‌ها را حفظ نماید. حفظ جان، مال و آزادی مردم، تمامیت ارضی کشور، حفظ استقلال و حاکمیت نظام سیاسی و اقتصادی کشور نیز به‌عنوان مهم‌ترین اجزای تشکیل‌دهنده امنیت ملی معرفی شده‌اند و در این میان رفاه اقتصادی، حفظ و افزایش قدرت و پرستیژ کشور از جمله اهداف حیاتی به‌حساب آمده‌اند (عامری، ۱۳۷۰: ۱۷۲-۱۷۹؛ ناجی راد، ۱۳۸۷: ۱۴۴). بر این اساس، امنیت نظامی که متضمن حفظ

استقلال و تمامیت ارضی و جلوگیری از مداخله بیگانگان در امور کشور است، هنوز هم نزدیک‌ترین پیوند را با امنیت ملی دارد (ولی پور لزومی، ۱۳۷۶: ۲۴)؛ اما محدودیت کاربرد ابزارهای نظامی به علت توسعه تکنولوژی در سطح جهان، مخالفت افکار عمومی با جنگ، بالا رفتن هزینه جنگ و افزایش لطمات و خسارات جنگی، موجب کاهش ابعاد نظامی امنیت ملی و به موازات آن افزایش اهمیت ابعاد دیگر آن شده است (ازغندی، ۱۳۷۴: ۱۱۲).

امروزه، امنیت اقتصادی به جدی‌ترین نگرانی‌های دولت تبدیل شده که نتیجه اصلی آن تحکیم بنیان‌های اقتصاد ملی و رهانیدن آن از آسیب وابستگی به کشورهای دیگر است. برای نمونه، اقتصاد کشورهای در حال توسعه به کشورهای بزرگ صنعتی وابسته شده است که از وجوه مهم این واقعیت، تک‌محصولی بودن و وابستگی شدید به سرمایه و کالا و تکنولوژی کشورهای پیشرفته است که امنیت اقتصادی این کشورها را سخت آسیب‌پذیر نموده است. تأمین استقلال اقتصادی کشورهای در حال توسعه از مهم‌ترین شرایط پیشبرد امنیت ملی آن‌هاست. در این خصوص، توسعه اقتصادی، مهم‌ترین نقش را در تأمین امنیت اقتصادی می‌یابد (تودارو، ۱۳۷۷: ۶).

اهمیت امنیت اقتصادی برای کشورهای پیشرفته، اگر از کشورهای در حال توسعه بیشتر نباشد، کمتر نیست؛ به طوری که گفته شده، در روابط میان قدرت‌های جهانی، رقابت در اطراف مسائلی چون تولید بهترین محصولات، ارتقای سطح زندگی مردم، برخورداری از نیروی کار تحصیل کرده و ماهر، سرمایه‌گذاری در تولیدات صنعتی، تحقیق و توسعه و تأسیسات زیربنایی و مانند این‌ها دور می‌زند (تارو، ۱۳۷۳: ۳۳ و ۳۴). رابرت ماندل، امنیت اقتصادی را میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین‌المللی می‌داند (ماندل، ۱۳۷۹: ۸۷). امنیت سیاسی و اجتماعی، امنیت انسانی و بین‌المللی، از دیگر پارامترهای امنیت ملی‌اند که به لحاظ نبود ارتباط مستقیم با موضوع تحقیق، در اینجا از آن‌ها عبور می‌کنیم.

پس از جنگ جهانی دوم، نقش مؤلفه‌های اقتصادی در امنیت ملی به طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفت. به نظر بسیاری از نویسندگان، این روند در دوران پس از جنگ سرد هر چه بیشتر تقویت شد (بورسید، ۱۳۸۲: ۳۳). نظریه‌پردازان، در این دوره نزدیک به هفتادساله، تعاریف مختلفی از امنیت اقتصادی ارائه کرده‌اند که هر یک مؤلفه‌هایی چند را برای این مفهوم برشمرده است. در این

میان، حضور فعال در عرصه تجارت بین‌الملل باگذشت زمان، موردتوجه بیشتری قرار گرفته است (روحانی، ۱۳۹۱: ۵۸۳).

در بررسی رابطه تجارت بین‌الملل و امنیت ملی، توجه بیشتر نویسندگان معطوف به تأثیرهای محدودکننده ملاحظات امنیت ملی بر تجارت بین‌الملل بوده است (موسوی زنوز و مرادی، ۱۳۹۲: ۱۴۵-۱۴۱)؛ آخرین تحقیقات در این حوزه، تأثیر موافقت‌نامه‌های تجاری را بر امنیت ملی کشورها بررسی کرده است (آگواروال و گولوا، ۲۰۱۳). به‌طور خلاصه می‌توان گفت، تعامل دوسویه میان تجارت بین‌الملل و امنیت ملی - به‌ویژه با محوریت جمهوری اسلامی ایران - تاکنون موردتوجه خاص هیچ محققى قرار نگرفته است.

برای مقابله با جنگ تمام‌عیار اقتصادی باید به دفاع اقتصادی پرداخته شود. دفاع اقتصادی به مجموعه اقدام‌های یک یا چند کشور برای مقابله با تهاجم‌های اقتصادی دشمن اطلاق می‌گردد.

بیت کوین (bit coin) و تأثیرات آن بر اقتصاد ایران

مفهوم پول مجازی به معنای پول رمزگذاری شده، به‌منظور تسهیل انجام امور مالی و ایجاد پولی بدون حضور واسطه‌ها (بانک‌ها) و توسط افراد جامعه توسط مطرح شد. پول مجازی هیچ سرویس دهنده مرکزی یا مؤسسه مالی برای کنترل نقل و انتقال ندارد؛ چون همه چیز بر ارتباطات نظیر به نظیر بنا شده است؛ به عبارت دیگر بیت‌کوین یک شبکه پرداخت غیرمتمرکز است؛ یعنی نه یک شخص و نه یک کمپانی روی فرایند تولید و تغییر قیمت آن هیچ کنترلی ندارند. به‌جای آن، هرکسی روی شبکه کنترل پول خود را بر عهده دارد و هرکسی می‌تواند با دانلود نرم‌افزار رایگان بیت‌کوین و اجرای آن روی کامپیوتر شخصی، روی سیستم مالی بیت کوین تأثیرگذار باشد (صیاد معروف، ۱۳۹۴).

به گزارش وال استریت ژورنال در هفته آخر ماه اکتبر متوسط ارزش هر بیت کوین در بازار جهانی برابر با ۶۳۹۳ دلار آمریکا بود (اکنون ۷۴۰۰ دلار) که ۴.۸۳ درصد نسبت به هفته قبل از آن رشد کرده بود. در انتهای این هفته ارزش سرمایه بازار بیت کوین‌ها برابر با ۱۰۶.۱ میلیارد دلار آمریکا بود و روزانه ۳۳۰ هزار بیت کوین در بازار مبادله شد. در ژانویه سال جاری ارزش هر بیت کوین در بازار ۹۶۵ دلار آمریکا بود و طی ۱۰ ماه ارزش آن شش برابر شد.

حال سؤال این است که چرا ایران تصمیم به استفاده از بیت‌کوین گرفته؟

در پاسخ به سؤال اول مسائل مختلفی مطرح می‌شود. وال‌استریت ژورنال بر این باور است که ایران در صدد جایگزین کردن ارزهای مجازی به جای دلار است. کاهش وابستگی اقتصاد ایران به دلار یکی از اهدافی است که در سال‌های اخیر مطرح شده است. روسیه و چین هم در تلاش برای کاهش وابستگی اقتصادی خود به دلار و کاهش سهم این ارز در اقتصاد خود هستند زیرا می‌دانند حذف دلار از سبد ذخیره ارزی دو اقتصاد بزرگ و مطرحی مانند روسیه و چین می‌تواند فشار اقتصادی زیادی را به آمریکا وارد کند. ایران هم در این مسیر با کشورهای روسیه و چین همراه است و انتظار می‌رود بیت‌کوین‌ها را به عنوان جایگزینی برای دلار در مبادلات نفتی استفاده کند (روزنامه اقتصاد، اسفند ۹۶).

چالش‌های اقتصادی آینده

جمعیت کشور ۲۰۳۷ برابر شد؛ اما در همین مدت میانگین رشد تولید ناخالص داخلی فقط ۱۸۲ برابر شد. به این ترتیب تولید سرانه کشور به قیمت ثابت تنزل یافت. به همین دلیل در این دوره، سطح رفاه عمومی کاهش یافته و جایگاه اقتصاد کشور در تولید و تجارت جهانی پایین‌تر رفته است.

بالا بودن نرخ بی‌کاری در نزد جوانان تحصیل کرده و زنان و در مناطق کمتر توسعه‌یافته کشور و عدم تطابق تحصیلات با تقاضای نیروی کار از جمله ابعاد دیگر چالش‌های موجود در بازار کار است. در اقتصاد ایران در وضعیت مطلوب، جمعیت فعال می‌توانست بین ۵۵ تا ۶۰ درصد باشد و نرخ بی‌کاری آشکار و پنهان کشور هم کمتر از ۱۰ درصد باشد (سازمان آمار کشور، ۱۳۹۶).

نبود تعادل در بازار کار و محروم ماندن نیروی کار از پشتیبانی تشکلهای کارگری، موجب تنزل میانگین دستمزدها در دوره بعد از انقلاب و گسترش فقر نسبی و مطلق در کشور شده است.

متأسفانه به دلیل سوءمدیریت و فساد مالی در صندوق‌های بازنشستگی کشور و انباشت بدهی‌های معوق دولت به سازمان تأمین اجتماعی، امروزه این صندوق‌ها با ناپایداری مالی مواجه‌اند.

تحلیل ریشه‌های بحران کنونی: در قانون اساسی وظایف اقتصادی، اجتماعی و حاکمیتی دولت بسیار گسترده تعریف شده است، به همین دلیل در دوران بعد از انقلاب شاهد بزرگ‌شدن دولت بوده‌ایم. صرف‌نظر از تأثیر سوء بار مالی اندازه دولت بزرگ بر بودجه عمومی و صندوق‌های بازنشستگی، کیفیت حکمرانی در کشور به شدت تنزل یافته است؛ به این معنی که امتیاز و رتبه ایران در هریک از اجزای شاخص حکمرانی، یعنی «پاسخ‌گویی دولت و شنیده‌شدن صدای مردم»،

«ثبات سیاسی و نبود خشونت»، «اثربخشی دولت»، «کیفیت مقررات»، «حاکمیت قانون» و «کنترل فساد»، رضایت‌بخش نیست. در این وضعیت دولت نمی‌تواند به‌خوبی از عهده انجام مستقل وظایف اقتصادی خود در حوزه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ها و نظارت مؤثر بر آن‌ها برآید. در جامعه با شکل‌گیری انواع نهادهای موازی اقتصادی و مالی، رفاه اجتماعی، فرهنگی و آموزشی مواجهیم. همه این نهادها از بودجه عمومی کشور ارتزاق می‌کنند، اما نه تعهد قانونی روشنی به پرداخت مالیات به دولت دارند و نه در قبال دولت و جامعه به اصول شفافیت و پاسخ‌گویی پایبندند. انتظارات مردم از دولت برای مبارزه با فقر و بهبود وضعیت معیشت خود از طریق دریافت انواع یارانه‌ها و کمک‌های بلاعوض نیز شکاف منابع و مصارف بودجه عمومی دولت را افزایش می‌دهد. بی‌سبب نیست که قوه مجریه در مرکز جدال بر سر تقسیم منابع حاصل از مالیات‌ها و نفت مستأصل شده است و چه در دوره جنگ و تحریم و چه در دوره رونق نفتی، ناترازی بودجه دولت حتی با تخصیص عایدات نفتی به مصارف جاری بودجه برطرف نمی‌شود. حاصل این وضعیت از یک‌سو موجب سرمایه‌گذاری ناکافی دولت در تجهیز زیرساخت‌های فیزیکی مانند زیرساخت‌های حمل‌ونقل زمینی و هوایی، بنادر، تأمین برق و ارتباطات شده است و از سوی دیگر به حجم عظیمی از پروژه‌های نیمه‌تمام انجامیده است.

عوامل مؤثر بر امنیت ملی کشورها همیشه یکسان نیست و زمان و مکان در تأثیرگذاری این عوامل گوناگون نقش قابل‌توجهی دارد. در جمهوری اسلامی ایران نیز نقش عوامل گوناگون ایجادکننده امنیت، همیشه یکسان نبوده است. مهم‌ترین این عوامل در جمهوری اسلامی ایران به‌طور خلاصه عبارت‌اند از: عوامل ژئوپلیتیک، شامل موقعیت جغرافیایی، وسعت، منابع طبیعی و جمعیت (امیر احمدی، ۱۳۷۲: ۵؛ طایفی، ۱۳۷۲: ۹۷؛ عزتی، ۱۳۷۱: ۸۹)، عوامل فرهنگی و ایدئولوژیکی (روشندل، ۱۳۷۴: ۸۳-۷۹؛ کاظمی، ۱۳۷۶: ۹۷)، عوامل نظامی (ازغندی، ۱۳۷۴: ۴۷ و ۴۸) و عوامل اقتصادی (ستاری فر، ۱۳۹۲: ۴۱۱-۴۰۹).

در این میان آنچه در مورد عوامل اقتصادی می‌توان گفت، این است که امروزه نقش عوامل اقتصادی به‌طور عام و مسئله توسعه اقتصادی به‌طور خاص در تأمین و حفظ امنیت ملی کشورها بسیار مهم است تا حدی که برخی ادعا کرده‌اند امنیت یعنی توسعه و توسعه یعنی امنیت (آرلینگتون، ۱۳۷۳: ۹۴). در این تعریف، توسعه به معنای توسعه اقتصادی است. اقتصاد ایران هم مانند اقتصاد اکثر کشورهای جهان سوم از بیماری‌های عمده‌ای چون بی‌کاری فزاینده، دوگانگی

بخش‌های اقتصاد (مدرن - سنتی)، توزیع نامتعادل درآمد، استفاده نکردن بهینه از ظرفیت‌های تولیدی، اتلاف منابع سرمایه‌ای، بالا بودن میل نهایی به مصرف و نبود انگیزه برای سرمایه‌گذاری، کم بودن سهم بخش صنعت در تولید ناخالص کشور، نبود ثبات سیاسی اجتماعی و به تبع آن بی‌ثباتی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در دهه‌های اخیر، ضعف شدید نظام آموزشی، ضعف روحیه علمی حاکم بر جامعه و مشکلات ناشی از وابستگی به خارج رنج می‌برد (عظیمی، ۱۳۷۳). در عین حال، واقعیت این است که وضعیت مطلوب اقتصادی می‌تواند به انسجام ملی، مشروعیت سیاسی و افزایش ظرفیت کسب حمایت‌های مردمی جهت دنبال کردن سایر اهداف ملی کمک کند؛ دوم این‌که با توجه به ارتباط تنگاتنگی که میان توسعه اقتصادی و موفقیت سیاسی خارجی وجود دارد، اقتصاد قوی می‌تواند امنیت نظامی را نیز تأمین نماید (شهابی و فرهی، ۱۳۹۳: ۵۵-۳۹). سهم عوامل اقتصادی در اهداف امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را به‌خوبی می‌توان در اسناد بالادستی چون قوانین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ملاحظه کرد. برای نمونه، در فصل پنجم قانون برنامه پنجم توسعه کشور بر موضوع‌هایی چون رشد اقتصادی، بهبود فضای کسب‌وکار، افزایش سطح رقابت، ارتقای اشتغال پایدار، توسعه کارآفرینی، ارتقای بازار سرمایه، ارتقای مشارکت بنگاه‌ها، ارتقای اقتصاد صادرات محور و به‌طور مشخص تعامل و هم‌سویی با قوانین و مقررات ترتیبات تجاری منطقه‌ای و بین‌المللی همچون سازمان جهانی تجارت تأکید شده است.

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران نیز در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، چشم‌انداز بیست‌ساله اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور را تعیین کرده است. در این سند تأکید شده که در تهیه، تدوین و تصویب برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالیانه، این نکته مورد توجه قرار گیرد که شاخص‌های کمی کلان آن‌ها از قبیل نرخ سرمایه‌گذاری، درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، نرخ اشتغال و تورم، کاهش فاصله درآمد میان دهک‌های بالا و پایین جامعه، رشد فرهنگ و آموزش و پژوهش و توانایی‌های دفاعی و امنیتی، باید متناسب با سیاست‌های توسعه و اهداف و الزام‌های چشم‌انداز بیست‌ساله تنظیم و تعیین شود.

جمهوری اسلامی ایران از منابع طبیعی و انسانی قابل توجهی برخوردار است. توان تولید و سرمایه‌گذاری نیز در کشور بسیار بالاست. با این حال، ایجاد اشتغال برای جمعیت به نسبت جوان، روبه‌رو بودن با نرخ تورم در حدود بیست و پنج درصدی و نرخ به نسبت پایین رشد اقتصادی در

مقایسه با بسیاری از کشورهای در حال توسعه، می‌تواند موجب تضعیف موقعیت ایران در عرصه بین‌الملل شود. این در حالی است که کشورهای دارای اقتصاد کوچک‌تر و ضعیف‌تر از ایران با مشارکت در زنجیره تولید جهانی و هم‌سویی با فرایند جهانی‌شدن اقتصاد در جهت توسعه حرکت، برای مردمانشان رفاه بیشتری فراهم می‌کنند.

امروزه افزایش وابستگی‌های متقابل بین‌المللی به واسطه گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری، توسعه بازارهای مالی و کالا و خدمات، جهانی‌شدن فعالیت‌های بنگاهی و بین‌المللی شدن تولید و تحول نظام‌های مدیریت، از مهم‌ترین جلوه‌های نظام اقتصاد نوین جهانی است. این شرایط جدید کشورها را به سوی اتخاذ سیاست‌هایی چون کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای فرا راه تجارت، اصلاح نظام‌های ارزی به منظور افزایش انعطاف‌پذیری و قابلیت تبدیل پول‌ها، آزادسازی نظام‌های سرمایه‌گذاری خارجی، ایجاد و توسعه هم‌گرایی‌های منطقه‌ای در حوزه اقتصاد به خصوص تجارت، افزایش مشارکت در نظام تجارت بین‌الملل (سازمان جهانی تجارت)، خصوصی‌سازی اقتصاد و حمایت از توسعه فناوری‌های نوین، سوق داده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که هرچند تحولات اخیر در اقتصاد جهانی منافی را برای کشورهای در حال توسعه به دنبال داشته، اما برخورداری از این منافع برای همه آن‌ها یکسان نبوده است. به نظر می‌رسد، امروزه، توسعه مستلزم مشارکت کشورهای در حال توسعه در فرایند جهانی‌شدن است و در این راه کسب رقابت‌پذیری در سطح بین‌المللی، عاملی تعیین‌کننده محسوب می‌شود. در دنیای امروز، مرزهای سیاسی، نقش چندانی در حمایت از تولیدهای داخلی و تعیین سلايق مصرف‌کنندگان ندارد و تولیدکنندگان غیر رقابت‌مند، دیر یا زود محکوم به حذف هستند و چنانچه این خطر در سطح اقتصاد کشور شیوع و حتی تحقق یابد، ورشکستگی در مقیاس ملی و فقر در سطح عمومی ایجاد خواهد شد و این امر نه فقط جنبه‌هایی خاص از امنیت ملی، بلکه به احتمال، کل موجودیت کشور را به خطر می‌اندازد.

اقتصاد ایران برای توقف اتکا به صادرات نفت و محصولات خام و تبدیل شدن به اقتصادی مبتنی بر تولید و تجارت رقابت‌اند و پویا، نیاز به تعامل با ترتیبات، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی، هماهنگی با قواعد و مقررات حاکم بر بازارهای جهانی در جهت آزادسازی تجارت، کاهش تدریجی حمایت‌های تعرفه‌ای، حذف موانع غیرتعرفه‌ای شامل سهمیه‌ها، ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های مقداری، رفع تبعیض‌ها علیه واردات در مقابل کالاهای داخلی و ایجاد فضای

رقابتی دارد. برای رسیدن به این مطلوب، دودسته اقدام‌ها، یکی در بعد داخلی و دیگری در بعد بین‌المللی باید صورت پذیرد.

در بعد داخلی، جهت سازگار کردن ساختار اقتصادی و تجاری کشور با نظام تجارت چندجانبه، اقدام‌هایی از آغاز اجرای برنامه سوم توسعه به این سو به عمل آمد که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- یکسان‌سازی نرخ ارز؛

- حذف سهمیه‌ها و محدودیت‌های مقداری؛

- تعرفه‌ای کردن موانع غیرتعرفه‌ای؛

- اصلاح قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌های خارجی؛

- اصلاح قوانین مالیاتی؛

- اصلاح نظام تعرفه‌ای در کشور.

در بعد خارجی نیز تلاش برای عضویت در سازمان جهانی تجارت به‌عنوان وسیله‌ای برای پیوند خوردن با اقتصاد جهانی در دستور کار قرار گرفته است. پیوستن به سازمان جهانی تجارت برای هر کشوری از جمله ایران می‌تواند انگیزه و نیروی محرکه لازم را در جهت انطباق با نیازها و الزام‌های بازارهای جهانی به وجود آورد و سبب شود که بنگاه‌های اقتصادی باهدف کسب موقعیت بهتر در این بازارها به تلاش‌های گسترده‌تری دست بزنند.

در حال حاضر با توجه به وضعیتی که الحاق جمهوری اسلامی ایران به سازمان جهانی تجارت پیدا کرده و نامعلوم بودن زمان الحاق، بدیهی است نه می‌توان و نه منطقی است که برای رسیدن به منافع تجارت بیشتر در انتظار سازمان جهانی تجارت باقی بمانیم. ضرورت این مسئله ایجاب می‌کند که ایران با استفاده از گزینه‌های مشابه دیگر به بسط تجارت و ادغام در اقتصاد جهانی دست یازد. بدین منظور، مسیر پیش‌رویی که برای ایران وجود دارد، ورود در انواع هم‌گرایی‌های اقتصادی است. ایران به دلیل آن‌که در گذشته در استراتژی‌های توسعه خود، استراتژی‌های درون‌نگر را پیگیری می‌کرده، نه در سابقه ۵۰ ساله گات وارد این موافقت‌نامه شد و نه در هیچ‌یک از انواع هم‌گرایی‌های اقتصادی (موافقت‌نامه تجارت ترجیحی، موافقت‌نامه تجارت آزاد، اتحادیه گمرکی، بازار مشترک و اتحادیه اقتصادی) وارد شد. به‌طورکلی، می‌توان گفت، ایران از غیرفعال‌ترین کشورها در همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی است. در شرایطی که اتحادیه‌های مهمی مانند اتحادیه

اروپا، نفتا، آسه‌آن و ... باعث ایجاد تغییرات مهمی در الگوی تجارت بین‌الملل شده‌اند، سازمان اکو به‌عنوان مهم‌ترین اتحادیه منطقه‌ای که ایران در آن عضویت دارد، فاقد هرگونه توفیق چشمگیری در عرصه تجارت است. رشد تجارت درون‌گروهی این سازمان تا به حال بسیار کند بوده و حجم مبادلات بازرگانی کشورهای عضو باهم در سال ۲۰۱۷ حدود ۳/۹ درصد کل مبادلات خارجی آنان بوده که در این میان، سهم تجارت درون‌اکویی ایران از کل تجارت خارجی‌اش کمتر از تمام دیگر اعضای اکو و حدود ۳/۵ درصد بوده است (ECO Secretariat, 2017, 12). این وضعیت در مورد سایر ترتیبات منطقه‌ای که ایران عضو آنهاست، یعنی گروه هشت کشور در حال توسعه مسلمان (دی هشت) و سازمان همکاری‌های اسلامی نیز صدق می‌کند.

جمهوری اسلامی ایران در سطح هم‌گرایی‌های دوجانبه نیز چندان فعال نبوده است، به‌طوری‌که در حال حاضر تنها با تعداد انگشت‌شماری از کشورها شامل پاکستان، سوریه، تونس، ازبکستان، قرقیزستان، بوسنی و هرزگوین و کوبا، موافقت‌نامه تجارت ترجیحی دارد که در مقایسه با ترتیبات تجاری دوجانبه معمول در جهان، از کم‌ترین حوزه‌های شمول برخوردارند. ایراد دیگر برخی از این توافقات این است که ملاحظات تجاری مبنای برقراری آنها نبوده و در نتیجه کار آیی لازم را در افزایش سطح تجارت نداشته‌اند. موافقت‌نامه‌های منعقدشده با کوبا و بوسنی و هرزگوین بهترین نمونه‌های این مشکل‌اند.

تأثیر رویکردهای درون‌نگر و حمایت‌گرا در سیاست تجاری جمهوری اسلامی ایران به حدی بوده که نتوانسته‌ایم حتی با مهم‌ترین شریک تجاری همسایه خود، یعنی ترکیه هم ترتیبات تجاری مؤثری ایجاد کنیم. در حال حاضر با این کشور تنها یک موافقت‌نامه تجارت مرزی با حوزه شمول بسیار محدود داریم که در قالب آن، ترجیحات تعرفه‌ای غیرقابل ملاحظه‌ای برای حدود ۶۰ الی ۷۰ کالا از هر طرف در نظر گرفته شده است (سازمان توسعه تجارت ایران، ۱۳۹۲: ۱۰۵۴-۹۳۵).

این‌همه درحالی‌که است که حتی کشورهایی که عضو سازمان جهانی تجارت هم هستند و از مزایای آن در گسترش تجارت نهایت بهره را برده‌اند، به آن اکتفا نکرده و در کنار عضویت در این سازمان، روزبه‌روز تعداد معاهدات تجارت ترجیحی یا آزاد خود را با دیگر کشورها گسترش می‌دهند. شاخص‌های دیگری چون نرخ متوسط تعرفه‌ها، تعداد طبقات تعرفه‌ای و میزان رواج رویه‌های حمایتی نامطلوب از نظر ترتیبات تجاری و سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان جهانی تجارت، نیز به‌خوبی نشان‌گر استفاده نکردن از ظرفیت‌های تجارت خارجی برای تحقق اهداف

توسعه و رفاه است. برای نمونه، گزارشی که به تازگی در مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی تهیه شده، نشان می‌دهد که ایران در سال ۱۳۹۶ با نرخ متوسط ۲۳/۳، بعد از سه کشور سودان، جیبوتی و موریتانی، بالاترین نرخ تعرفه‌ها را در میان کشورهای مناطق مرکز و غرب آسیا، قفقاز، خاورمیانه و افریقا دارا بوده است (راستی، ۱۳۹۶: ۹-۷). این در حالی است که متوسط نرخ تعرفه‌ها در سال ۱۳۹۶ بیش از ۳۲ درصد و در نتیجه تعرفه‌های ما حتی از این سه کشور هم بالاتر بوده، لیکن بعد از افزایش شدید نرخ مبادله ارز در ایران، دولت تصمیم به کاهش تعرفه‌ها گرفته است. در حال حاضر راهبردهای دفاع اقتصادی با تأکید بر تولید ملی در چارچوب اقتصاد مقاومتی شامل: توسعه صادرات- رشد بهره‌وری عوامل تولید- حمایت از تولید ملی- گسترش اقتصاد دانش‌بنیان- خوداتکایی و گسترش اقتصاد مردم بنیان می‌باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

دولت‌ها در حوزه امنیت اقتصادی در اساس دو وظیفه عمده مستقیم در قبال مردمشان بر عهده دارند؛ اول، تأمین محیط لازم برای گسترش و پیشرفت بخش‌های مختلف اقتصادی، به‌خصوص بخش‌های تولیدی، صنعتی، کشاورزی و خدماتی به‌عنوان مبنای اصلی تولید درآمد و به‌طور خلاصه، تأمین توسعه اقتصادی کشور؛ دوم، ایجاد و برقراری شرایط رفاه اقتصادی آحاد جامعه از نظر برخورداری از امکان مصرف باکیفیت‌ترین کالاها و خدمات در بهترین شرایط و به‌طور مشخص، با نازل‌ترین قیمت‌ها. وظیفه اول به‌طور عمده متضمن اعمال حمایت‌های گسترده از بخش‌های اقتصادی اعم از صنعتی، کشاورزی و خدماتی است، حمایت‌هایی که به‌طور معمول با استفاده از ابزارهای مالی، اعتباری و تجاری قابل تحقق است.

ابزارهای مالی را می‌توان در قالب معافیت‌های مالیاتی و تأمین نهاده‌های یارانه‌ای خلاصه کرد. منظور از استفاده از ابزارهای اعتباری، به‌طور مشخص، تأمین اعتبارات ارزان‌قیمت با نرخ بهره ترجیحی است و در نهایت، برقراری تعرفه‌های وارداتی بالا و محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای همچون ممنوعیت‌ها و سهمیه‌های وارداتی برای محدود کردن یا جلوگیری از ورود کالاهای رقیب محصولات داخلی یا حتی برقراری مشوق‌هایی چون اعطای یارانه و جوایز صادراتی به‌منظور افزایش توان صادراتی تولیدکنندگان داخلی؛ این اقدامات را می‌توان به‌عنوان برجسته‌ترین ابزارهای تجاری برای حمایت از بخش‌های اقتصادی داخلی برشمرد.

ایفای وظیفه دوم، مستلزم برقراری سازوکارهای نظام بازار آزاد به منظور افزایش رقابت میان عرضه‌کنندگان کالا و خدمات و در نتیجه افزایش حق انتخاب مردم به عنوان مصرف‌کنندگان در جهت برخورداری از بهترین شرایط، از جمله بالاترین کیفیت و پایین‌ترین قیمت‌ها. این امر لاجرم مستلزم آزادسازی نظام اقتصادی و به طور مشخص نظام تجاری کشور، به منظور کاهش یا حذف موانع فرا راه ورود محصولات و کالاهای خارجی خواهد بود.

برخی اقدام‌هایی که دولت‌ها در این خصوص به عمل می‌آورند از این قرارند: کاهش موانع تعرفه‌ای و حذف موانع غیرتعرفه‌ای در جهت کاهش موانع فرا راه تجارت و افزایش شفافیت در نظام تجاری؛ آزادسازی بخش‌های مختلف تولیدی و خدماتی برای فعالیت فعالان اقتصادی خارجی در کشور؛ جلوگیری از روش‌های ضد رقابتی (به خصوص در بخش دولتی) از طریق قوانین تضمین‌کننده شرایط رقابتی؛ حذف حمایت‌های مالی و اعتباری از بخش‌های اقتصادی داخلی با هدف افزایش انگیزه رقابت در میان تولیدکنندگان داخلی و به ویژه کاهش هزینه‌های دولت در این خصوص؛ هزینه‌هایی که تحمل آن‌ها در نهایت بر دوش مردم بوده و خود متضمن کاهش رفاه آن‌ها خواهد بود (چراکه منابع مالی مربوط با حذف این هزینه‌ها می‌تواند در جهت افزایش رفاه اقتصادی و اجتماعی مردم مصرف شود). حمایت از کالای ایرانی مقوله‌ای مهم و کاربردی است. جهاد در حوزه اقتصاد یعنی باید با حرکت و روحیه انقلابی و جهادی وارد میدان اقتصادی شویم. حرکت باید الهی، مخلصانه و فی سبیل الله باشد و همان‌گونه رهبر معظم انقلاب اسلامی در بازدید از نمایشگاه کالای ایرانی فرمودند: «کارگر ایرانی یکی از بهترین کارگرهای دنیاست و تکیه به بیرون مرزها غلط اندر غلط است». اقتصاد مقاومتی از راهکارهای کاربردی مقابله با تهدیدها و نبرد اقتصادی دشمنان است. ریاضت اقتصادی با اقتصاد مقاومتی متفاوت است. ریاضت اقتصادی به طرحی گفته می‌شود که دولت برای کاهش هزینه‌ها و رفع کسری بودجه به کاهش یا حذف ارائه برخی از خدمات و مزایای عمومی دست می‌زند. این طرح موردقبول جامعه اسلامی ما نیست، ولی اقتصاد مقاومتی برای مقابله با کسری بودجه، بهبود وضعیت مالی و توانمند کردن کشورها مؤثر است. اجرای این طرح نتایجی مانند کاهش تقاضا، تورم، رقابت و مقابله با کسری بودجه را به دنبال دارد، لذا آنچه می‌تواند در حل مشکل اقتصادی کشور مؤثر باشد، توجه به تولید داخلی، درست استفاده کردن از منابع و امکانات و اعمال صحیح اقتصاد مقاومتی است. در نهایت، نتیجه می‌گیریم برای مقابله با دشمنان در حوزه نبرد اقتصادی لازم است بخشی در دولت با

هماهنگی دستگاه‌های امنیتی و دفاعی قرارگاهی به نام قرارگاه دفاع اقتصادی تشکیل شود. در این قرارگاه با تجزیه و تحلیل فعالیت‌های اقتصادی - که علیه ایران صورت می‌گیرد - راهکارهای مقابله و برخورد را بیابند و اقدام عملی صورت پذیرد. با توجه به شرایط کنونی اقتصاد کشور می‌توان از راهکارهای زیر جهت مقابله با نبرد اقتصادی پیش رو استفاده کرد:

الف. حمایت از تولید ملی ب. ارتقای کیفیت و بهره‌وری کالای داخلی پ. عادت به مصرف کالای داخلی ت. احیای فرهنگ قناعت ث. یکسان‌سازی نرخ ارز ج. حذف سهمیه‌ها و محدودیت‌های مقداری چ. تعرفه‌ای کردن موانع غیرتعرفه‌ای ح. اصلاح قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌های خارجی خ. اصلاح قوانین مالیاتی د. صلاح نظام تعرفه‌ای در کشور

پیشنهادها

- توجه به فرهنگ‌سازی اقتصاد مقاومتی با برگزاری کارگاه‌های آموزش علمی
- تهیه الگوی مصرف منابع در رابطه با اقتصاد مقاومتی، تولید محصولات اساسی و دفاع اقتصادی
- توسعه سهم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در تولید ناخالص ملی
- توسعه اقتصاد دانش‌بنیان و اقتصاد مردمی و استفاده از تمام ظرفیت‌های داخل کشور در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی
- تنوع و تکثر تولید و بازارهای هدف
- ایجاد فضای امن و مطمئن برای فعالیت سرمایه‌گذاران

فهرست منابع:

الف - منابع فارسی

- جلالی نسب، عبدالله، رئوفیان، محمود (۱۳۹۰)، نقش GIS در راستای بهره‌وری C4I در امور دفاعی، پنجمین کنفرانس ملی فرماندهی و کنترل ایران، دانشگاه تهران.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۴)، ارتش و سیاست، تهران، نشر قومس.
- امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۷۲)، سیاست خارجی منطقه‌ای ایران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هفتم، شماره ۷۱-۷۲، مرداد و شهریور.
- بابایی، غلامرضا (۱۳۶۹)، فرهنگ اصطلاحات روابط بین‌المللی، تهران، نشر سفیر.
- پورسید، بهزاد (۱۳۸۲)، امنیت اقتصادی در بعد سرمایه‌گذاری خارجی، در مجموعه مقالات همایش راه‌کارهای توسعه امنیت اقتصادی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۳، ۲۹ اسفند ۱۳۹۲.
- تارو، لستر (۱۳۷۳)، رویارویی بزرگ یا نبرد اقتصادی آینده ژاپن، اروپا و آمریکا، ترجمه عزیز کیاوند، تهران، انتشارات آگاه، چاپ دوم.
- تودارو، مایکل (۱۳۷۷)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- تهامی، مجید (۱۳۹۰)، امنیت ملی، داکترین، سیاست‌های دفاعی و امنیتی، تهران، سازمان سیاسی عقیدتی ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- خضری، محمد (۱۳۸۴)، بازدارنده‌های اقتصادی حمله احتمالی امریکا به جمهوری اسلامی ایران، گزارش پژوهشی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- راستی، محمد (۱۳۹۳)، بررسی مقایسه‌ای نظام تعرفه‌ای ایران با کشورهای جهان و منطقه، در راستای پیشنهاد کاهش نرخ‌های تعرفه، گزارش تحلیلی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، شماره ثبت ۳۲۵۶.
- رضا میرزاخانی (۱۳۹۶)، بیت کوین و ماهیت مالی فقهی و پول مجازی.
- روحانی، حسن (۱۳۹۱)، امنیت ملی و نظام اقتصادی، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ویراست دوم، چاپ پنجم.
- روشندل، جلیل (۱۳۸۷)، امنیت ملی و نظام بین‌المللی، تهران، انتشارات سمت.
- صیاد معروف، محمد رسول (۱۳۹۴)، واحد پول دیجیتالی بیت کوین و نقش آن در تجارت الکترونیک.
- سازمان توسعه تجارت، مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۹۶، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۹۶.

- ستاری فر، محمد (۱۳۹۲)، سرمایه و توسعه، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- شهبابی، سهراب (۱۳۹۳)، میزگرد بررسی جایگاه جمهوری اسلامی ایران در نظام منطقه‌ای، فصلنامه خاورمیانه، سال سوم، شماره ۱.
- صباغیان، علی (۱۳۸۵)، حمایت‌گرایی در تجارت جهانی، فصلنامه پژوهش‌های تجارت جهانی، شماره ۲ و ۳.
- طایفی، علی (۱۳۷۲)، مقدمه‌ای بر توسعه منابع انسانی در ایران، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال هفتم، شماره ۷۰.
- عامری، هوشنگ (۱۳۷۰)، اصول روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات آگاه.
- عزتی، عزت‌اله (۱۳۷۱)، ژئوپلیتیک، تهران، انتشارات سمت.
- عظیمی، حسین (۱۳۷۳)، مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران، نشر نی، چاپ سوم.
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۶)، نقش قدرت در جامعه و روابط بین‌الملل، تهران، نشر قومس.
- کر، پائولین (۱۳۸۷)، امنیت انسانی، ترجمه دهقانی فیروزآبادی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴۱.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۹)، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- موسوی زنوز، موسی (۱۳۷۸)، مشروعیت قوانین فرا سرزمینی داماتو و هلمز-برتون با توجه به حقوق بین‌الملل، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه تهران.
- موسوی زنوز، موسی (۱۳۸۳)، سازوکار حل‌وفصل اختلافات در سازمان جهانی تجارت و منافع کشورهای درحال توسعه، بررسی‌های بازرگانی، دوره جدید، سال اول، شماره ۳.
- موسوی زنوز، موسی (۱۳۹۲)، تحول حقوق تجارت بین‌الملل در سازمان جهانی تجارت، تهران، نشر میزان.
- موسوی زنوز، موسی و حسن مرادی (۱۳۹۲)، ملاحظات امنیت ملی در سازمان جهانی تجارت، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۳، شماره ۲.
- میرمحمدی، سید محمد (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر امنیت اقتصادی، فرهنگ اندیشه، سال چهارم، شماره ۱۴ و ۱۵.
- ناجی‌راد، محمدعلی (۱۳۸۷)، جهانی‌شدن تروریسم، تهران، وزارت امور خارجه.
- هافندرون، هلگا (۱۳۷۱)، معمای امنیت: نظریه پردازی و ایجاد قواعد در زمینه امنیت بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب، سیاست خارجی، سال ششم، شماره ۴.

- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علم.
- ولی‌پور رزومی، سید حسین (۱۳۷۶)، سیر تحول در مقوله و ملاحظات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

ب - منابع انگلیسی

- Bacchetta, Marc and Marion Jasen, "Adjusting to Trade Liberalization: the Role of Policy, Institutions and WTO Disciplines", WTO Special Studies No. 7, Geneva: World Trade Organization, 2003...
- Bardham, Pranab, "International Trade Growth and Development", Malden, Massachusettes: Blackwell Publishing, 2003.
- Berensmann, Katerin and Clara Brandi, "The Financial Crisis and International Trade: the Consequences for Developing Countries", Bonn: German Development Institute, Paper No.13, 2011.
- Bodansky, Daniel and Jessica C. Lawrence, "Trade and Environment", in D. Bethlehem, D. McRea, R. Neufeld I. Van Damme, INTERNATIONAL TRADE LAW, Oxford: Oxford University Press, 2009.
- ECO Secretariat, "ECO Statistical Report 2014, ECO Trade", available at www.ecosecretariat.org.
- Emmerson, Andrew, "Conceptualizing Security Exceptions: Legal Doctrine or political Excuse?", Journal of International Economic Law, Vol. 11, No. 1, 2008, PP. 135-154.
- European Commission, ec.europa.eu/budget/explained/budg_system, retrieved 12 April 2012.
- Lester, Simon, Bryan Mercurio, Arwel Davies and Kara Leitner, "World Trade Law: Text, Materials and Commentary", Portland: Hart Publishing, 2008.
- Long, A.G. and B.A. Leads, "Trading for Security: Military Alliances and Economic Agreements", Journal of Peace Research, Vol. 43, No. 4, 2006, PP. 433-451.
- Maoz, Zeev, "The Effects of Strategic and Economic Interdependence on International Conflict across Levels of Analysis", American Journal of Political Science, Vol. 53, No. 1, 2009, PP. 223-240.
- Mische, Patricia M. "Ecological Security in a New World Order: Some Linkages between Ecology, Peace and Global Security in Non Military Aspects of International Security", Foreign Affairs, Spring 1989.
- Oneal, John R. Bruce Russett, et al. "Causes of Peace: Democracy, Interdependence, and International Organizations, 1885-1992", International Studies Quarterly, Vol. 47, No. 3, 2003, PP. 371-393.
- UL Haq, Mahbub, "New Imperative of Human Security", RGICS Paper No.17, Rajive Ghandi Institute for Contemporary Studies (RGICS), Rajive Ghandi Foundation, New Dehli, 1994.
- Ul Islam, Aziz, "Globalization and Development Revisited in the Light of Asian Experience", Report Presented at the Asian Regional Policy Dialogue in Bangkok, Thailand, Nov. 24-26, 1999, UNCTAD/EDM/MISC.135.
- UNCTAD, "Trade and Development Report, 1994", Geneva: UNCTAD, 1994.

- UNCTAD Secretariat and JETRO, "International Trade after the Economic Crisis: Challenges and New Opportunities", Geneva: United Nations, 2010.
- UNESCAP, "Statistical Yearbook for Asia and the Pacific", UNESCAP: 2011, available at www.unescap.org/stat/data/syb2011/index.asp.
- United Nations Secretary General, "Report of the Secretary General, In Larger Freedom: towards Development, Security and Human Rights for All", United Nations General Assembly: 21 March 2005, A/59/2005.
- United Nations, Summaries of Judgments, Advisory Opinions and Orders of the International Court of Justice, New York: United Nations, 1992.
- U.S. Department of State, "U.S. National Security Strategy: Ignite a New Era of Global Economic Growth through Free Markets and Free Trade", 2009, available at <http://www.sate.org/r/pa/ei/wh/15427.htm>.
- US International Trade Commission, "The Dynamic Effects of Trade Liberalizaon: An Empirical Analysis", Investigation No. 332-375, Publication 3069, Washington D.C.: October 1997.
- Van Den Bosssche, Peter, "The Law and Policy of the World trade organization", 2nd edn. Cambridge: Cambridge University Press, 2008.

پ - منابع اینترنتی

- خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، isna.ir
- سایت درگاه آماری کشور، amar.org.ir
- سایت eghtesadonline.ir